

## تبیین مبانی ارزش‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

محمدشریف طاهرپور\*

محمدرضا شرفی\*\*

### چکیده

یکی از اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش، هدایت آگاهانه به سوی ارزش‌های اخلاقی برای جهت‌دهی به زندگی دانش‌آموزان است. این موضوع، در حیطه اخلاق جنسی با توجه به فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی برای تشکیل زندگی مشترک، در معرض ارزش‌های متعارض قرار گرفتن و نیرومندی‌گریزه جنسی دارای اهمیتی ویژه است. براین اساس، هدف این پژوهش، تبیین مبانی ارزش‌شناختی اخلاق جنسی در اسلام، با روش توصیفی-تحلیلی است. بنابراین، با توجه به نظام ارزشی اسلام در حیطه اخلاق جنسی، مبانی همچون فطری بودن ارزش‌های اخلاقی، خیر علی‌الاطلاق بودن خداوند، اعتباری بودن ارزش‌ها، ثبات و تغییر در ارزش‌ها و عدالت استخراج شد. تأثیر این مبانی در اخلاقی جنسی به ترتیب عبارت‌اند از: عفت و حیا، حجاب، غیرت، ازدواج؛ خداوند معیار ارزش‌های اخلاق جنسی، اعتبارسازی، اعتباریابی؛ ساختارمند شدن اخلاق جنسی، فهم نسبتاً آسان دیگر سیستم‌های اخلاق جنسی؛ رعایت اعتدال، تناسب و هماهنگی بین زوجین، عدالت عاطفی در تعدد زوجات و عدالت اجتماعی بین زن و مرد.

واژگان کلیدی: اخلاق جنسی، مبانی ارزش‌شناختی، اصول، اسلام.

## مقدمه

عمل ارزش‌گذاری و داوری‌های ارزشی جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است؛ حتی اگر آدمی جهان را واجد غایتی نداند. ارزش‌های هر جامعه، کردار افراد آن جامعه را هدایت می‌کنند و دستورالعمل‌های مرتبط با هدایت کردار آدمی در گذر زمان، در قالب اصول اخلاقی متبلور می‌شوند؛ بدین طریق ایده خیر گسترش می‌یابد. رابرت ال هولمز<sup>۱</sup> در این باره می‌نویسد: «همان‌طور که وجود آفتاب برای نور، تغذیه و رشد و بالندگی در سرتاسر طبیعت لازم است، ایده خیر هم برای فهم آدمی و کردار او، نهادها و جامعه ضرورت دارد» (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۲۵). از این رو، ارزش‌های اخلاقی رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در تکوین شخصیت اخلاقی دارند و «انکار ارزش‌های اخلاقی، آشکارترین عامل غفلت اخلاقی خواهد بود» (رولین، ۱۳۹۴، ص ۲۷۵).

تنزل یا انحطاط اخلاقی زمانی آغاز می‌شود که ارزش‌های اخلاقی متعالی که «سودمندیشان در طول زمان اثبات شده است»، برای امیال شهوانی بیهوده از بین بروند (عبدالحمید، ۲۰۱۷). در این میان، یکی از ابعاد وجود انسان بعد جنسی انسان است که با اخلاق ارتباط ناگسستگی دارد و پایه و اساس بسیاری از ارزش‌های دیگر است. گرچه بعد جنسی انسان تحت تأثیر مبانی فرهنگی و دینی هر جامعه‌ای است (آسف، ۲۰۰۱)، اما با وجود این، برخی از اصول ارزشی مثل عشق‌ورزی به یکدیگر، احترام متقابل، وفاداری و تعهد نسبت به زندگی مشترک، در بین تمام جوامع پذیرفته شده و دارای ارزش است (توکر، ۲۰۱۳)؛ و در مقابل، بی‌حیایی، زنا و خیانت جنسی در بین اکثریت مردم دارای ارزش نیست؛ البته ممکن است روابط آزاد، سکس قبل از ازدواج و غیره در میان برخی از جوامع وجود داشته باشد؛ اما با این وجود، خیانت در همه‌جا غیراخلاقی است؛ از این رو با نظر به تأثیر بعد ارزشی و فرهنگی هر جامعه در روابط و اخلاق جنسی، در این پژوهش بررسی این مسئله از دیدگاه اسلام پی گرفته می‌شود. در واقع، مقاله در پی پاسخ به این سؤال‌هاست که اسلام چه تصویری از گزینه جنسی ارائه و چگونه آن را ارزش‌گذاری می‌کند؟ مبانی ارزش‌شناختی اسلام چه تأثیری بر روی اخلاق جنسی می‌گذارد؟ آیا بر گزینه جنسی از دیدگاه اسلام نیز اخلاقی مترتب است؟ اسلام برای رشد متناسب این گزینه چه راه‌حلی‌هایی ارائه می‌نماید؟

1. Holmes
2. Abdul Hamid
3. Ausaf
4. Tukker

### دین اسلام و غریزه جنسی

دین اسلام، غریزه جنسی را به‌عنوان امری ناخوشایند، پلید یا زشت تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را به‌عنوان یکی از نیازهای ضروری و اساسی انسان ملاحظه می‌کند که باید به‌طور شایسته و مشروع ارضاء شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹). همچنین، آن را «موهبتی الهی و امری طبیعی و فطری می‌داند و علاقه و تمایل باطنی زن و مرد به یکدیگر را امری پسندیده و نیکو می‌داند که هیچ زشتی و پلیدی ندارد» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۹۳). براین اساس، در ارتباط با غریزه جنسی دستورالعمل‌های اخلاقی را مطرح کرده که با فطرت و طبیعت انسان متناسب و سازگار است. به‌همین دلیل، بی‌تعهدی و رواج عمل زنا، نه‌تنها به‌عنوان یک عمل شرم‌آور به‌شمار می‌رود که باعث از بین رفتن بسیاری از پایه‌های ارزشی در خانواده می‌شود؛ بلکه به‌عنوان یک گناه بزرگ در نظر گرفته می‌شود (انیولا، ۲۰۱۳<sup>۱</sup>). البته ناشایست بودن این امور، مربوط به همهٔ ادیان الهی است؛ برای مثال کتب مقدس (تورات و انجیل) پاک‌دامنی اصیلی را راجع به روابط زناشویی ارائه می‌دهند و رابطه زناشویی را بر حساب آفرینش<sup>۲</sup> و بر تقدس خدا و قوانینش مبتنی می‌کنند. همچنین، کتب مقدس راجع به انحرافات جنسی انسان همچون تجاوز جنسی و... ساکت نیستند و گناهکارانی که حاضر به توبه نیستند را به مجازات آتش در جهان آخرت بشارت می‌دهد (گیلنيس، ۲۰۰۴<sup>۳</sup>). البته افزایش روزافزون طلاق به علت اختلاف، ناسازگاری و عدم توافق در زندگی مشترک (مانفريدا، سورتنو، سایمشچن، ۲۰۱۷<sup>۴</sup>)، ترویج روابط یک بار مصرف،<sup>۵</sup> حاکم نبودن ارزش‌های مطلق بر رفتار انسان‌ها و اینکه مردم هرطور که می‌خواهند رفتار می‌کنند (گیلنيس، ۲۰۰۴)، پرورش روابط سالم و پاک با خود، دیگران و خدا را کاری دشوار کرده است (مريس، ۲۰۱۶<sup>۶</sup>). با وجود این، دین اسلام سعی دارد با تأکید بر مبانی متناسب با ساختار فطری انسان این بحث را ساختار دهد.

براساس مطالعه‌ای که در بررسی پیشینه صورت گرفته است، سه رویکرد اصلی درباره اخلاق جنسی وجود دارد که ضمن بحث از آنها سعی می‌شود دیدگاه اسلام در این زمینه به‌صورت روشن و متقن بیان شود. در ادامه این سه رویکرد مورد بحث قرار می‌گیرند.

1. Eniola
2. creation account
3. Galeniece
4. Munfarida, Syamsiatun
5. disposable relationships
6. Morris

الف) رویکرد مبتنی بر رهبانیت: اخلاق جنسی مبتنی بر رهبانیت ریشه در برخی آیین‌ها دارد؛ از جمله می‌توان به آیین برهمنائی<sup>۱</sup> (۹ تا ۸ ق.م)، آیین جاینی یا جینیسم<sup>۲</sup> (۶ ق.م) و آیین بودایی<sup>۳</sup> (۶ ق.م) در هند، آیین تائوئیسم<sup>۴</sup> (۵۷۰-۵۱۷ ق.م) در چین، آیین مانئی<sup>۵</sup> (۲۴۰ م) در ایران باستان، کلبی‌گری<sup>۶</sup> (۶۰۰-۴۴۴ ق.م) در یونان باستان، اسین<sup>۷</sup> (۲ ق.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح اشاره کرد (قاسمی، ۱۳۷۳، ص ۲۶-۴۳). مبنای همه این آیین‌ها در اخلاق جنسی مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتعات، لذت‌های دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. علت گرایش به رهبانیت، در تمایل بشر برای رسیدن به حقیقت، آمیختگی لذت‌های مادی به پاره‌ای از رنج‌های معنوی، محرومیت و شکست در موفقیت‌های مادی به‌ویژه شکست در عشق، افراط در خوش‌گذرانی و کام‌جویی ریشه دارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۳۹۸-۳۹۹)؛

ب) رویکرد لیبرال: رویکرد لیبرال به اخلاق جنسی، واکنشی در مقابل اخلاق جنسی مسیحی است. اصول اخلاق جنسی مسیحی عبارت‌اند از: ۱. تجرد خوب است و باید با آن سازگار شد؛ ۲. به‌منظور خودداری از زنا، ازدواج مجاز است؛ ولی ازدواج کار تأسّف‌برانگیزی است؛ ۳. ازدواج مانع رستگاری و نجات است و برخلاف رضایت و خشنودی خداوند است (ریضوی، ۱۹۹۴). اخلاق جنسی مسیحی به‌علت مخالفت با طبیعی‌ترین نیاز انسان رو به افول و نابودی رفت؛ و سرانجام وقوع انقلاب صنعتی، تأخیر در استقلال اقتصادی، اختراع و انتشار وسایل منع باروری، تأخیر در ازدواج، تحریک غریزه جنسی و تسهیل ارضای آن، آزادی دادن به افراد در دوره پیش از ازدواج، میل به تنوع‌طلبی، افزایش اوقات فراغت، سرمست بودن از ثروت، جنگ جهانی و فردگرایی (دورانت، ۱۳۸۵)؛ پیشرفت تکنولوژی پیشگیری از بارداری، که باعث کاهش هزینه‌های رفتار جنسی پیش از ازدواج شده، انتشار دیدگاه‌های افراد در زمینه رفتار جنسی پیش از ازدواج در گروه‌های اجتماعی، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (گرینود و گانر، ۲۰۱۰)، اخلاق

1. Brahmanism
2. Jainism
3. Buddhism
4. Taoism
5. Many
6. Cynicism
7. Essene
8. Rizvi
9. Greenwood and guner

جنسی را در غرب دچار تحول و دگرگونی اساسی کرد که تحت عنوان انقلاب جنسی<sup>۱</sup> از آن یاد می‌شود. براین اساس، غرب تلاش کرد اخلاق جنسی لیبرال<sup>۲</sup> را پایه‌ریزی کند که به‌عنوان اخلاق جنسی جدید<sup>۳</sup> شناخته شده است. یکی از آثار اخلاق جنسی لیبرال گسترش رابطه جنسی پیش از ازدواج است؛ به طوری که در سال ۱۹۰۰، تنها ۶ درصد از دختران نوجوان مجرد، رابطه جنسی پیش از ازدواج داشتند ولی تا سال ۲۰۰۲، اکثریت بزرگی تقریباً ۷۵ درصد آن را تجربه کرده بودند. یکی از عوامل این موضوع، انقلاب پیشگیری از بارداری<sup>۴</sup> بود (همان). از بنیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م)، انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵ م)، فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹ م) و راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰ م) نام برد. مبنای فکری این اندیشمندان در اخلاق جنسی مبتنی بر مخالفت با رهبانیت، به رسمیت شناختن نیاز جنسی به‌عنوان یک نیاز طبیعی و به رسمیت شناختن آموزش جنسی است (راسل، ۱۳۵۲، ص ۱۳۸). البته اسلام، این مبانی را نیز به رسمیت می‌شناسد؛ اما در عین حال، ماهیت انسان را به‌عنوان غریزه جنسی، عشق پرشور جنسی، کام‌جویی و لذت‌طلبی فرو نمی‌کاهد و حتی به این امور، روحی معنوی و عبادی<sup>۵</sup> می‌بخشد و همچنین آزادی انسان را صرفاً محدود به آزادی دیگران نمی‌کند؛ بلکه افزون‌بر آن، ارزش‌های انسانی و الهی نیز آزادی انسان را محدود می‌کند (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۲)؛

ج) **رویکرد اسلامی:** امروزه غرب بعد از رویکرد اخلاق مسیحی که مبتنی بر رهبانیت و رویکرد لیبرال که مبتنی بر آزادی جنسی است متوجه شده است که رابطه جنسی آزاد به‌عدم ثبات ازدواج و از بین رفتن کانون خانواده منجر می‌شود و از این‌رو به نوعی خواهان اخلاق جنسی مسئولانه است؛ اخلاق جنسی مسئولانه، امری است که در اسلام بیشتر قابل تحقق و پیگیری است؛ زیرا اسلام نسبت به اخلاق جنسی رویکردی اعتدالی، عبادی و مسئولانه دارد. به‌عنوان مثال، در رویکرد اسلامی، یک مسلمان در حیطه رفتار جنسی، ملزم به پیروی از دستورات الهی همچون عفت و غیرت، ازدواج به‌موقع و صحیح و محدود کردن فعالیت‌های جنسی به چارچوب خانواده است تا با عمل به این دستورات، در پرتو لطف الهی به درجه نفس مطمئنه<sup>۶</sup> دست پیدا

1. sexual revolution
2. liberal sexual morality
3. new sexual morality
4. contraception revolution

۵. وَ لَا تُكْفِرُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَآ أَمَّةَ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَغْبَيْتُكُمْ وَ لَا تُكْفِرُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَغْبَيْتُكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةَ بِأُذُنِهِ وَ يُسَيِّئُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره، ۲۲۱).

۶. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* اذْجَعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (فجر، ۲۷-۳۰).

کند؛ در این حالت، دیگر تزئین‌گری‌های شیطان<sup>۱</sup> و نفس اماره<sup>۲</sup>، او را وسوسه نخواهند کرد؛ البته با توجه به ضعف انسان، در صورت ارتکاب او به عملی غیراخلاقی، خداوند این امکان را برای انسان فراهم کرده است که با پیروی از دستورات نفس لوامه<sup>۳</sup>، بتواند با تلاشی مضاعف به مسیر نفس مطمئنه برگردد. البته حرکت در این مسیر، سهل و آسان نیست و نیازمند خودمراقبتی و ایمان راستین به خداوند، روز جزا و لطف الهی است که این امر باید در طول زندگی دنیوی انسان جاری و ساری باشد؛ زیرا غریزه جنسی به دلیل شور و التهاب و نیرومندیش، چه در دوران مجرد و چه در دوران تأهل به زیر پا گذاشتن حدود الهی میل دارد. ویل دورانت، در این باره می‌نویسد:

«سروسامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهم‌ترین وظیفه اخلاق به شمار می‌رفته است، زیرا غریزه تولیدمثل نه تنها در حین ازدواج، بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم می‌آورد و در نتیجه شدت و حدت همین غریزه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۳۳-۶۳۴).

با توجه به این امر، دین اسلام در تلاش است تا با به رسمیت شناختن غریزه جنسی و مبتنی کردن آموزه‌های اخلاق جنسی بر روح فطری و انسانی انسان، به این غریزه به نحوی معتدل سروسامان ببخشد که نه آن را حذف و محو کند و نه آزاد بگذارد و به تحریک آن دامن بزند؛ بلکه آن را در قالب ازدواجی آرامش‌بخش<sup>۴</sup> ارضاء کند (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۲). این رویکرد در آرای متفکرانی همچون ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق)، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق)، ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) و مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش) مشهود است (همان). در ضمن، متفکران مسلمان، مواجهه نقادانه‌ای با دیگر رویکردهای اخلاق جنسی دارند؛ برای نمونه، شهید مطهری به نقد و بررسی رویکرد رهبانیت و رویکرد آزادی روابط جنسی و بیان موضع‌گیری اسلام در برابر آنها پرداخته است. در مقابل رویکرد رهبانیت، که مبتنی بر پلیدی ذاتی روابط جنسی است، منطق اسلام را بیان می‌کند که مبتنی بر عدم پلیدی غریزه جنسی و ارضا مشروع آن در چارچوب خانواده است. بعد از این به نقد مبانی رویکرد آزادی روابط جنسی می‌پردازد که به نظر ایشان عبارت‌اند از:

۱. تَاللهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَى اُمَّمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَرَزَيْنَا لَهُمُ الشَّيْطَانَ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ (نحل، ۶۳).
۲. وَ مَا اُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ اِلَّا مَا رَجَمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (يوسف، ۵۳).
۳. وَ لَا اَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوِيْمَةِ (قيامت، ۲).
۴. وَ مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ (روم، ۲۱).

۱. آزادی در روابط زناشویی که مبتنی بر این عقیده است که آزادی را جز آزادی نمی‌تواند محدود کند. مطهری در نقد این بیان می‌نویسد که افزون بر آزادی‌ها و حقوق دیگران، ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی و مصالح خود فرد نیز می‌تواند آزادی او را محدود کند؛

۲. پرورش همه استعدادهای درونی که مبتنی بر این عقیده است که شکوفایی استعدادهای فطری و طبیعی باعث نشاط و شادکامی و تعادل روحی و روانی فرد می‌شود؛ اما جلوگیری و تحت فشار قراردادن آنها موجب هزاران ناراحتی و اضطراب و جنایت و انحراف می‌شود. شهید مطهری در نقد این مدعا می‌نویسد که اسلام با رشد طبیعی استعدادها مخالف نیست؛ بلکه با آشفستگی، بی‌نظمی و به اختلال کشاندن استعدادهای طبیعی انسان مخالف است. در پایان به بحث از کشتن نفس می‌پردازد و اینکه آنچه تحت این عنوان در متون اسلامی آمده است به معنای نابود کردن استعدادهای فطری و طبیعی نیست؛ بلکه به معنای میراندن نفس اماره است که نماینده اختلال و به هم خوردگی و نوعی طغیان و سرکشی است که این نوع میراندن گاه با ارضای نفس و گاه با مخالفت با آن حاصل می‌شود؛

۳. عدم محدودیت غریزه جنسی، مبتنی بر این ایده است که در اثر منع و محدودیت، غریزه جنسی شعله‌ورتر می‌شود و در اثر ارضا و اشباع کاهش می‌یابد و آرام می‌گیرد. بنابراین، برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که هرگونه قید و ممنوعیتی در این راه از جلوی پایش برداشته شود. در مقابل، شهید مطهری می‌نویسد همچنان‌که محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود، آزادی بیش از اندازه نیز باعث اختلالات روانی و انحرافات جنسی می‌شود. با غرایز و تمایلات خود باید به‌مانند یک حکومت عادل و دموکرات برخورد کرد و درعین حال می‌نویسد در جوامعی که آزادی روابط بین زن و مرد محدود است، زمینه برای رشد عشق‌های پاک و در نتیجه خلق آثار هنری و ذوقی و اجتماعی فراهم می‌شود. در پایان به رابطه عشق و عفت می‌پردازد و عفت و وجود تقوا و دور از دسترس بودن زن را عامل پیدایش عشق‌های سوزان و عمیق می‌داند و محیط‌های آزاد را مانع پیدایش چنین عشق‌هایی می‌داند و می‌نویسد در این‌گونه محیط‌ها زن به حالت ابتدال درمی‌آید و فقط ابزاری برای پیدایش هوس‌های آنی و موقتی است (همان، ص ۵۵-۵۶، به نقل از مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۴۴-۶۵۱).

### بررسی پیشینه

آنچه در مقدمه گفته شد، نظر اسلام دربارهٔ غریزه جنسی، رعایت ارزش‌های الهی و نقد اخلاق جنسی کهن و مدرن در غرب است. تحقیق حاضر در راستای تکمیل پژوهش‌های قبلی همچون تبیین مبانی انسان‌شناسی اخلاق جنسی (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۲)، تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی (شرفی و طاهرپور، ۲۰۱۳) در پی بررسی مبانی ارزش‌شناختی و سپس بررسی تأثیر این مبانی در اخلاق جنسی است؛ به‌علاوه، این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز پژوهشی تحت عنوان تبیین مبانی معرفت‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام شود.

### تعریف مفاهیم

#### اخلاق جنسی<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد برای تبیین مبانی ارزش‌شناختی نخست باید اخلاق جنسی تعریف شود. اخلاق جنسی «قسمتی از اخلاق به معنی عام است که شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی بستگی دارد» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۶۳۳). همچنین، اخلاق جنسی «قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار جنسی مورد پذیرش جامعه در زمان معین است، عدم رعایت این قواعد، غیراخلاقی و یا حتی نابهنجار تلقی می‌شود» (فرمehینی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۷). بنابراین، اخلاق جنسی اسلامی بیان‌کننده حدود روابط بین جنس مخالف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و دیگر روابط رسمی و غیررسمی منبث از مبانی نظری و عقلانی ارزش‌شناختی اسلامی است.

#### مبانی ارزش‌شناختی

مبانی به سه دسته علمی، فلسفی و دینی تقسیم می‌شود؛ مبانی علمی ناظر بر «مجموعه قانونمندی‌های شناخته شده در علوم نظری چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که تعلیم و تربیت به آنها تکیه دارد» (باقری، ۱۳۸۱، ص ۶۴). مبانی فلسفی ناظر بر دیدگاه‌های فیلسوفان در مباحث انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی است که براساس آنها عناصر نظام تربیتی قابل استخراج است. مبانی دینی ناظر بر «اوصاف وجودی انسان، جهان و آفریدگار انسان و جهان هستند که از متون اسلام استخراج و به یکی از دو شکل بسیط، یعنی مفاهیم، یا

1. sexual morality



مرکب، یعنی گزاره‌های اخباری یا توصیفی بیان می‌شوند و شالوده استخراج و تدوین اهداف، اصول، برنامه‌ها و روش‌ها به شمار می‌آیند» (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۲۹-۳۰).  
 با توجه به آنچه بیان شد، مبانی در این مقاله بیشتر ناظر بر مبانی دینی و تا حدی فلسفی است که بیان‌کننده دیدگاه اسلام و متفکران مسلمان در مورد ارزش‌هاست که این ویژگی‌های ارزش‌شناسانه بر اخلاق جنسی تأثیرگذارند.

### اصول

بهشتی در تعریف اصول می‌نویسد: «اصول از دیدگاه اسلام مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشایی یا بایده‌محوری هستند که از متون اسلامی که معیار و راهنما و حاوی روش‌های تربیتی‌اند، مستخرج شده‌اند» (همان، ص ۳۵). بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد مقصود از اصول، گزاره‌های تجویزی بایده‌محوری است که می‌تواند از مبانی مختلفی همچون مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی استنتاج شود؛ اما در این مقاله، اصول از مبانی ارزش‌شناختی استنتاج شده و معیاری برای عمل در حیطه اخلاق جنسی است و تحقق این اصول در گرو قبول مبانی ارزش‌شناختی اسلام است.

### روش پژوهش

روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در تحقیقات توصیفی پژوهشگر در پی توصیف موضوع مورد مطالعه است. به‌دیگرسخن، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام‌دار موضوع می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه می‌نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۵۸). این‌گونه تحقیقات از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. تحقیقات توصیفی محض: پژوهشگر در این نوع تحقیقات صرفاً به کشف و تصویرسازی ماهیت، ویژگی‌ها و وضعیت موجود و مسئله تحقیق می‌پردازد؛
۲. تحقیقات توصیفی-تحلیلی: پژوهشگر در این نوع تحقیقات افزون‌بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد؛ این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود (همان، ص ۶۰-۶۱).

بنابراین، روش ما در بعد توصیفی مبتنی بر بررسی پژوهش‌های صورت گرفته درباره مسائل جنسی و همچنین بررسی دیدگاه متفکران اسلامی درباره اخلاق جنسی است؛ در بعد تحلیلی نیز روش ما مبتنی بر تشریح و تبیین مبانی ارزش‌شناسی و استدلال‌های ناظر بر وجود این مبانی و بررسی تأثیرات این مبانی در اخلاق جنسی با توجه به رویکرد اسلامی است. افزون‌براین، بین مبانی و اصول رابطه طولی برقرار است؛ یعنی مبانی، اصول را محقق می‌کنند.

### مبانی ارزش‌شناسی و تأثیر آن در اصول اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام

مبانی نظری و عقلانی ارزش‌شناسانه از متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم استخراج شده است. در ادامه به تبیین این مبانی و تأثیر آنها در اصول اخلاق جنسی نیز پرداخته می‌شود:

۱. فطری بودن ارزش‌های اخلاقی: براساس رویکرد علامه طباطبایی، استاد مطهری و آیت‌الله جوادی آملی، فطرت در حیطه اخلاق، ماهیتی گسترده و مثبت دارد؛ یعنی بسیاری از ارزش‌های اخلاقی ریشه در فطرت انسان دارند. در این میان، از دیدگاه علامه طباطبایی، یکی از راه‌های ایجاد پیوند بین اخلاق و فطرت، الهامات الهی در دل‌هاست. به این ترتیب، الهامات الهی منشأ حکمت عملی است و در تشخیص و علم به آنچه سزاوار و شایسته است و آنچه ناسزاوار و ناشایسته است، نقشی تعیین‌کننده دارند. خداوند در آیات ۷-۱۰ سوره شمس می‌فرماید: «سوگند به نفس و خلقت کامل و تمام‌عیار آن، که خدای سبحان آن را بیافرید و سپس تقوا (آنچه سزاوار است) و فجور (آنچه ناسزاوار است) را به آن الهام کرد؛ در نتیجه هرکس نفس را پاک نگه دارد، رستگار و هرکس آن را آلوده کند زیانکار می‌شود». علامه طباطبایی، در تفسیر این آیه می‌نویسد: «علمی که مربوط به اعمال آدمی است و اینکه چه اعمالی صالح و چه اعمالی فاسد و فسادانگیز است؟ چه اعمالی تقوا و چه اعمالی فجور است؟ خدای سبحان آن را از طریق الهام و افکندن در دل‌ها و کوبیدن در فطرت به انسان می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۰۸).

عمل به الهام الهی که در دل‌ها و فطرت انسان متجلی می‌شود، متضمن درک بدیهیات کلی و عقلی است که این امر در گرو سلامت عقل است. سلامت عقل هم در گرو رعایت تقواست. علامه طباطبایی، در این رابطه می‌نویسد: «الهام الهی بر درستی و راستی علوم عقلیه کلیه (بدیهیات) متوقف است و آن نیز هم با تمسک به تقوای دینی بر سلامت عقل و فطرت متوقف است» (همان، ص ۵۰۸). براساس این دیدگاه، می‌توان اصول اخلاقی مانند عفت و حیا، حجاب، غیرت و ازدواج را امری فطری دانست که جزء اصول اساسی اخلاق جنسی اسلامی هستند.

### تأثیر فطرت بر اخلاق جنسی

عفت و حیا: عفت و حیا مفاهیمی هستند که درهم‌تنبیده‌اند و ممزوج با یکدیگرند و هر دو جزء خصایل پسندیده اخلاقی هستند و ریشه در فطرت انسان دارند؛ البته در کمیت و کیفیت بروز و ظهور آن عوامل فرهنگی بی‌تأثیر نیست. آنچه از داستان آفرینش آدم و حوا در قرآن کریم می‌توان استنتاج کرد، این است که پوشش عورت به‌عنوان ابتدایی‌ترین رهاورد عفت، بیان‌کننده این است که انسان گرایشی فطری به ارزش‌های اخلاقی دارد. همچنان‌که در آیه ۲۲ سوره اعراف آمده است: «و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود تا آن را بپوشانند.»

از سوی دیگر، عفت جایگاه مهمی در نظام ارزشی اسلام دارد تا جایی که امام علی (علیه السلام) در حکمت ۴۴۶ نهج‌البلاغه، مقام انسان عقیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه و می‌فرماید: «اجر و پاداش جهادکننده‌ای که در راه خدا کشته شود بیشتر نیست از کسی که (بر حرام و ناشایست) توانایی داشته باشد و عفت و پاک‌دامنی به کار برد. نزدیک است شخص پاک‌دامن (که از حرام و ناشایست خود را نگه می‌دارد) فرشته‌ای از فرشتگان بشود» (فیض الاسلام، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰۳). چنین جایگاهی برای عفت ناشی از گستردگی معنایی عفت است که تمام ابعاد وجودی آدمی را دربرمی‌گیرد. از لحاظ واژه‌شناسی، واژه عفت از ریشه عف گرفته شده به معنای خودداری از آنچه حلال نیست و خودداری از سخن یا عمل ناپسند است. کاربردهای گوناگون از این ریشه در شئون مختلف انسان، همگی همین معنا را دربردارند. پس، عفاف یعنی خودداری نفس از محرّمات و تقاضا داشتن از مردم است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی که به‌وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴) که این حالت در حیا نیز وجود دارد، ابن‌ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق) در این‌باره می‌نویسد: «حیا عبارت است از گرفتگی نفس از زشتی‌ها و این از خصایص انسان است. در بچه‌ها اولین چیزی که از قوه فهم آنها آشکار می‌شود حیا است و خدا آن را در انسان قرار داده تا کناره‌گیری کند از زشتی‌هایی که نفس انسان را به سوی آن می‌کشاند و مانند حیوان نشود؛ حیا مرکب از ترس و عفت است از این‌رو نه با حیا فاسق است و نه فاسق با حیا؛ زیرا عفت و فسق با هم جمع نمی‌شوند؛ اما خجالت چیزی است که به‌خاطر افراط در حیا به انسان می‌رسد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۹، ص ۴۵).

به‌طورکلی می‌توان گفت عفت و پاک‌دامنی، حجب و حیا، به‌معنای خودکنترلی، نظارت بر خویشتن، پرهیزکاری، احساس حضور در محضر خداوند و جلوگیری از طغیان نفس در ارتکاب به معاصی، در شئون مختلف وجودی انسان به‌ویژه در حیطة جنسی است.

**حجاب:** حجاب به معنای پوشش است؛ چیزی که بین بیننده و آنچه می بیند، حائل می شود. همچنین، حجاب به نوعی عفت در پوشش است؛ به معنای خودداری از تبرج و خودآرایی است. البته عفاف همچنان که گذشت معنایی وسیع تر از حجاب دارد و بیشتر شئون انسانی را دربر می گیرد و همچون حجاب مختص بین محرم و نامحرم نیست و در تمام روابط فردی عفاف حاکم است به استثنای روابط زناشویی؛ البته یکی از چیزهایی که انسان را به سوی حجاب می کشاند، عفاف است؛ به عبارت دیگر عفاف ریشه حجاب است و حجاب میوه عفاف است.

خداوند در چند آیه قرآن کریم موضوع حجاب و پوشش را مطرح و اهمیت، ارزش، هدف و فایده آن را بیان کرده است. قرآن کریم گاه هدف از لباس را پوشاندن اعضا، عورت و حفظ بدن و گاه آن را وسیله زینت و گاه وسیله حرمت و شخصیت زن و بازدارنده از دستبرد آزار مزاحمان و افراد فاسد معرفی می کند. خداوند در سوره اعراف آیه ۲۶ می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ»؛ فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزکاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست تا متذکر (نعمت های او) شوند!». پس، حجاب و پوشش زمانی از بار ارزشی برخوردار خواهد بود که با لباس پرهیزکاری و معنویت توأم شود.

**غیرت:** غیرت یکی از ویژگی های اخلاقی مردان است که نقش مهمی در حراست از کیان خانواده دارد. انسان غیور، امیال نفسانی خود را به ویژه در حیطه جنسی کنترل می کند و آن را به چارچوب خانواده خود می کشاند و به کسی اجازه نمی دهد که حرمت ناموسی او را بشکند. در چنین حالتی، وقتی کسی برای ناموس خود حرمت قائل است، به خود اجازه نمی دهد که به ناموس دیگران تجاوز کند. امام علی علیه السلام در این باره در حکمت ۳۰۵ می فرماید: «مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ»؛ غیرت دار و جوانمرد هرگز زنا نمی کند (چون نمی پسندد که با اهلش زنا کنند و غیرت و جوانمردی اش اجازه نمی دهد با زنی که به او حرام است، همبستر شود) (فیض الاسلام، ۱۳۷۷، ص ۱۲۳۲).

**ازدواج:** از بعد ارزش شناسی اخلاق جنسی، ازدواج به عنوان یکی از اساسی ترین راهکارهای رضای غریزه جنسی است؛ زیرا پاک دامنی و سلامت جنسی جز در بستر ازدواج صحیح امکان پذیر نیست. همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «اذا جاءكم من ترضونه خلقه و دینه تزوجوه الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» (النوری الطبرسی، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۵۲)؛ اگر کسی برای خواستگاری دختر شما آمد که از اخلاق و دینش راضی هستید او را تزویج نمایید. اگر چنین نکنید، در زمین فتنه و فساد بزرگ واقع خواهد شد.

از سوی دیگر، ازدواج در اسلام آن‌قدر مهم شمرده شده که در مواردی لازم است حاکم اسلامی مقدمات ازدواج افرادی را فراهم آورد که نیاز جنسی آنان را به گناه می‌کشاند. امام علی علیه السلام با توجه به این مسئله در خطبه ۱۲۷ به کار پیامبر صلی الله علیه و آله استناد و می‌فرماید: «حقیقتاً شما می‌دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله شخص زناکار را که همسر داشت، سنگسار نمود؛ پس بر او نماز گذارد و باز ماندگانش از او ارث بردند و زناکار بدون همسر را تازیانه زد؛ سپس سهم او را از غنایم داد و زن مسلمان را به نکاح او درآورد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۷، ص ۳۹۳-۳۹۴).

۲. خداوند خیر علی‌الاطلاق: خداوند بدون هیچ‌گونه حد و حصری خیر حقیقی و مطلق است و سرچشمه تمام خوبی‌هاست و تمام نیکی‌ها و خوبی‌ها در دست اوست. خداوند در این رابطه، در آیه ۲۶ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «بگو: «بارالها! مالک حکومت‌ها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند متعال خیر علی‌الاطلاق است؛ زیرا تنها کسی است که هر چیز به او منتهی می‌شود و رجوع و بازگشت همگی به او خواهد بود؛ یعنی هر چیزی بالذات او را طالب و مقصد خویش می‌داند. جمله «بِیَدِكَ الْخَيْرُ» جنبه حصری داشته و تمام خیرها را منحصر در خداوند متعال می‌داند. امر هر خیری به سوی توست و تو تنها افاضه‌کننده آن هستی. البته منظور خیر و شر تکوینی است نه خیر و شر تشریحی که اختیار آدمی در آن دخالت دارد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۵۰-۲۵۲).

در تفسیر نمونه نیز درباره این آیه آمده است که جمله «بِیَدِكَ الْخَيْرُ» ناظر بر این امر است که «در جهان هستی شری وجود ندارد، این ما هستیم که خیرات را مبدل به شر می‌کنیم و اگر می‌گویند: خیر تنها به دست تو است و از شر سخنی نمی‌گویند، به خاطر آن است که شری از ذات پاک او صادر نمی‌شود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۹۱).

### تأثیر خیر علی‌الاطلاق بودن خداوند بر اخلاق جنسی

خداوند معیار ارزش‌های اخلاق جنسی: بر این اساس، ارزش‌های اخلاق جنسی و بایدونبایدها و دیگر مؤلفه‌های رفتار جنسی یک جامعه زمانی از ارزش برخوردار خواهند بود که براساس فرمان‌های الهی باشد. همچنان‌که در سوره بقره آیه ۲۲۸ آمده است: «زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند. و

همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (به راستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است». نگهداشتن عده به‌عنوان یک حکم الهی مطرح است و برای پنهان نکردن باردار بودن زنان از مکانیسم تشویقی ایمان به خدا و روز قیامت استفاده می‌کند، بنابراین، این احکام به‌عنوان یک امر ارزشی از آن لحاظ از ارزش برخوردارند که مرتبط به خداوند هستند و درعین حال با واقعیت وجودی انسان سازگاری دارند. در تفسیر المیزان درباره این قسمت آیه که «اگر زنان ایمان به خدا و روز جزا دارند» آمده است که «این تنقید به‌طور اشاره می‌فهماند که این حکم از لوازم ایمان به خدا و روز جزائی است که پایه و اساس شریعت اسلام است، پس هیچ مسلمانی بی‌نیاز از این حکم نیست و این تعبیر مثل این است که به شخصی بگوییم اگر خیر و خوبی می‌خواهی با مردم نیکو معاشرت کن و یا به مریض بگوییم اگر طالب شفا و بهبودی هستی باید پرهیز کنی» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۴۷).

۳. اعتباری بودن ارزش‌ها: با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از ارزش‌گذاری است؛ اما منشأ پیدایش این ارزش‌ها چیست؟ با توجه به اینکه ارزش‌ها در عرصه ادراک آدمی ظهور می‌یابند؛ از این رو می‌توان از اعتباری بودن آنها سخن گفت. اعتباری بودن ارزش‌ها، ریشه در تقسیم‌بندی ادراکات آدمی دارد. علامه طباطبایی، ادراکات آدمی را به دو دسته حقیقی و اعتباری تقسیم می‌کند؛ مفاهیم حقیقی مفاهیمی هستند که مابازای خارجی دارند و به‌دیگرسخن «انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس‌الامر است» (طباطبایی، ۱۳۵۹، ص ۲۶۹)؛ اما ادراکات اعتباری ساخته و پرداخته ذهن آدمی است؛ به‌دیگرسخن، «ذهن به‌منظور رفع احتیاجات حیاتی آنها را ساخته است و جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس‌الامر کاری ندارد و تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص حیات است و با تغییر آنها تغییر می‌کند. بنابراین ادراکات اعتباری نسبی و غیرضروری است» (همان).

البته نظر علامه، در ارتباط با اعتباری بودن ارزش‌ها، «به معنای قراردادی بودن نیست و منافاتی با فطری بودن ندارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت خداوند از طریق سازوکاری که علامه آن را معرفی کرده است، حسن و قبح افعال و بایدونبایدهای اخلاقی - که علمی اعتباری و فاقد شأن حکایت‌گری هستند- را به انسان الهام کرده است» (غفوری‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۶۴). از سوی دیگر، «ادراکات اعتباری واسطه بین دو گروه حقایق هستند و از این جهت روابطی با خارج دارند. گروه اول خواهش‌ها و نیازهای آدمی که محرک دستگاه شناختی هستند و گروه دوم آثار خارجی که این

ادراکات به همراه دارند. لذا آنها از یک سو با نیازها و خواست‌ها مرتبط هستند و از سوی دیگر نتایجی به همراه دارند که آن هم خارجی و واقعی است. لذا اعتباریات بی‌ارتباط با خارج نیستند و اگر این طور بود صدق این معنی بر خارج نمی‌بایست دائمی باشد، بلکه می‌بایست تصادفی باشد» (حسنی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۴). بنابراین، نتایج ادراکات اعتباری ملاکی است برای سودمندی یا عدم سودمندی آنها. به عبارت دیگر، اگر ادراکات اعتباری که باعث سعادت و تعالی آدمی شود، سودمند هستند در غیر این صورت سودمندی نخواهند داشت.

از منظری دیگر، به فرض اینکه ادراکات اعتباری به نسبت‌گرایی منجر شود، این نوع نسبت‌گرایی، با نظر به دیگر آثار علامه طباطبایی، به نوعی نسبت‌مصدافی است، نه نسبی بودن ارزش‌های اخلاقی. علامه در طرح‌ریزی این نظر خویش، نسبت‌گرایی را با توجه به وجود اصولی ثابت، نسبت‌مصدافی و مغالطه میان اطلاق مفهومی به معنای کلیت و اطلاق وجودی به معنای استمرار وجود، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود.

**الف) وجود اصولی ثابت: تحول و تکامل جوامع، در گرو اصول ثابت و ارزش‌های اخلاقی** همچون عفت، شجاعت، حکمت، عدالت و فروعات این ارزش‌های اخلاقی است؛ این موارد همواره در همه اجتماعات انسانی، دارای حسن بوده و هیچ‌وقت دارای قبح نخواهند بود. علامه طباطبایی می‌نویسد: «مگر هدف از تشکیل اجتماع چیزی جز رسیدن نوع انسان به سعادت است؟ این سعادت با هر فعلی که فرض بکنیم، تأمین نمی‌شود، این پدیده مانند تمامی پدیده‌های عالم، شرایط و موانعی دارد، پاره‌ای کارها با آن موافق و مساعد و پاره‌ای دیگر مخالف و منافی است، آنکه موافق و مساعد است، حسن و آنکه مخالف و منافی است، قبح. پس همیشه اجتماع بشری حسن و قبحی دائمی دارد» (۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۱)؛

**ب) نسبت‌مصدافی: آنچه دچار تحول و تغییر می‌شود و امری نسبی است، مصادیق** ارزش‌های اخلاقی است، نه خود ارزش‌های اخلاقی. علامه می‌نویسد: «گفته‌اند در خصوص فضائل در اجتماعات، نظریه‌ها مختلف است، ممکن است خوبی از خوبی‌ها در اجتماعی فضیلت و در اجتماعی دیگر رذیلت باشد، اما در پاسخشان می‌گویم این اختلاف نظر، اختلاف در حکم اجتماعی نیست، اینکه مردمی پیروی فضیلت و حسنه‌ای را واجب و اجتماعی دیگر واجب نداند، از باب اختلاف در تشخیص مصداق است. بعضی فلان خوبی را از مصادیق مثلاً تواضع می‌دانند و بعضی دیگر آن را از مصادیق رذیله‌ای می‌پندارند» (همان، ص ۵۷۲). به این ترتیب، مثلاً عدالت در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارای حسن است و هیچ‌وقت، ظلم دارای حسن و عدالت دارای قبح نمی‌شود؛ اما آنچه متغیر و متحول است، مصادیق عدالت و ظلم است؛

ج) مغالطه میان اطلاق مفهومی به معنای کلیت و اطلاق وجودی به معنای استمرار وجود: آنچه در خارج وجود دارد، مصادیق یک مفهوم کلی ذهنی است؛ برای مثال، عدالت در خارج، به‌عنوان یک ارزش کلی و مطلق وجود ندارد؛ بلکه آنچه در خارج وجود دارد، مصادیق عدالت است؛ اما عدالت در همه جوامع و در همه زمان‌ها دارای ارزش است؛ یعنی جامعه‌ای پیدا نمی‌شود که در آن عدالت قبیح باشد. علامه طباطبایی می‌نویسد: «اینکه می‌گویند حسن و قبح مطلق، اصلاً وجود ندارد، بلکه هرچه نیکو است، نسبتاً نیکو و هرچه هم زشت است، نسبتاً زشت است و حسن و قبح‌ها برحسب اختلاف منطقه‌ها و زمان‌ها و اجتماع‌ها مختلف می‌شود، مغالطه‌ای است که در اثر خلط میان اطلاق مفهومی به معنای کلیت و اطلاق وجودی به معنای استمرار وجود کرده‌اند. ما هم قبول داریم که حسن و قبح به‌طور مطلق و کلی در خارج یافت نمی‌شود؛ در واقع، در خارج هیچ حسنی نداریم که دارای وصف کلیت و اطلاق باشد و هیچ قبحی هم نداریم که در خارج قبح کلی و مطلق باشد، چون هرچه در خارج است، مصداق و فرد کلی ذهنی است. حسن و قبح مطلق، به معنای مستمر و دائمی که حسنش در همه اجتماعات و در همه زمان‌هایی که اجتماع دایر است، حسن و قبحش قبح باشد، داریم و نمی‌شود نداشته باشیم» (همان، ص ۵۶۱).

### تأثیر اعتباری بودن ارزش‌ها در اخلاق جنسی

الف) اعتبارسازی: پیدایش تغییرات و تحولات در عرصه زندگی انسان، باعث طرح مصادیق جدید (با نظر به نسیت مصداقی) برای ارزش‌های اخلاق جنسی در سطح جامعه می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که صرفاً نمی‌توان از نسل جوان یک جامعه، اجرای صرف مصادیق ارزش‌های اخلاق جنسی گذشته را خواستار شد؛ بلکه خود جوانان در طول زندگی براساس نوع تربیت جنسی، فرهنگ خانوادگی، رسانه‌های جمعی و دیگر نهادهای مؤثر در این امر، نظرات متخصصان، تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، به طرح مصادیق جدیدی برای ارزش‌های اخلاقی خواهند پرداخت که از این امر، تحت عنوان «اعتبارسازی» نام برده شده است. به‌عنوان مثال، حفظ قوام زندگی مشترک، ارزشی است که همواره مطرح بوده است، منتها در زندگی سنتی که خانواده گسترده بوده (متشکل از پدر و مادر و عروس‌های خانواده) و روحیه جمع‌گرایی بر فردگرایی غلبه داشته است و بزرگ‌ترها نقشی اساسی در قوام زندگی مشترک زوجین ایفا می‌کردند؛ اما با تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی به وجود آمده و جایگزین شدن خانواده هسته‌ای (متشکل از زن و شوهر) به جای خانواده گسترده، غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی، ما ناچار



شدیم که برای قوام زندگی زوجین، در کنار حمایت خانواده‌ها، بر آموزش مهارت‌های زندگی، بلوغ اجتماعی، بلوغ اقتصادی نسبی، مراجعه به مشاور برای انتخاب بهتر شریک زندگی و... تأکید کنیم، به عبارتی دست به اعتبارسازی جدیدی زده و راه‌ها و روش‌هایی طرح شده است که بتواند به هدف ارزشمند اخلاقی و دینی دست یابیم که حفظ قوام خانواده است. خود این راهکارها در صورت موفقیت، بار ارزشی پیدا خواهند کرد و برای جامعه از مطلوبیت و ارزشمندی برخوردار خواهند بود؛

**ب) اعتباریابی:** ضرورت پایبند بودن به سبک‌های نوین در زندگی بحث اعتبار ارزش‌های اخلاق جنسی پیشین و ارزش‌های نوین را مطرح خواهد کرد. حال این ارزش‌های نوینی که به آرامی رواج می‌یابد تا چه حد دارای اعتبار و ارزش است؟ چه منبعی اعتبار و ارزش اینها را تأیید خواهد کرد؟ آیا رواج ارزش‌ها در فرهنگ یک جامعه نیازمند تأیید آن توسط نهاد یا مرجع خاصی است؟ واقعیت امر این است که ورود ارزش‌های جدید به فرهنگ یک جامعه در ابتدا بسیار به آرامی صورت می‌گیرد و اقلیتی بسیار محدود به آن پایبند خواهند بود و در صورتی که این ارزش را ضرورت تغییر و تحولات زندگی ایجاد کرده باشد، نه یک تنوع‌طلبی صرف، آن ارزش در جامعه رواج پیدا خواهد کرد و جنبهٔ حداکثری به خود خواهد گرفت و از ارزش و اعتبار برخوردار خواهد بود. اما آیا هر ارزشی که اکثریت به آن پایبند باشند در اخلاق جنسی اسلامی نیز به تبع اکثریت دارای ارزش خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت اگر در تضاد با ارزش‌های ثابت و مشروط نباشد، از اعتبار برخوردار خواهد بود.

از سوی دیگر، می‌توان گفت در اسلام نیز معیار معتبر بودن یا نامعتبر بودن ارزش‌ها چه ارزش‌های کهن و چه ارزش‌های نوظهور رعایت مرزها و حدود الهی است که این مرزها نیز برای پربارتر کردن و آسان کردن زندگی انسان ساخته شده نه برای به حرج انداختن زندگی انسان؛ حال با توجه به این امر در صورتی که رعایت ارزش‌های اخلاق جنسی اسلامی، به هر دلیلی، افراد را دچار حرجی فراتر از توان آنها کند و جامعه با توجه به ساختارهای دینی نتواند از بعد ارزشی این معضل را حل کند، طبیعی است که واقعیت موجود به نحوی شکل خواهد گرفت که در بعضی جهات متفاوت از هنجارهای دینی خواهد بود.

۴. ثبات و تغییر در ارزش‌ها: ارزش‌ها با توجه به شرایطی که در آن ارزشمند تلقی می‌شوند به

دو دسته قابل تقسیم‌اند:

**الف) ارزش‌های مطلق:** ناظر به ارزش‌هایی هستند که در تمام موقعیت‌ها و شرایط دارای ارزش‌اند. بعضی از متفکران در این باره معیارهایی را مطرح کرده‌اند و آن اینکه «آنچه با طبیعت

انسان سروکار دارد و موجبات پیشرفت حیات فردی و جمعی را فراهم می‌سازد ارزش مطلق دارد؛ همچون صلح، عدالت و دموکراسی» (شریعتمداری، ۱۳۶۹، ص ۱۵۸-۱۵۹)؛

ب) ارزش‌های مشروط: ارزش‌هایی هستند که در شرایط و موقعیت‌های خاص و ویژه دارای ارزش هستند و خارج از آن شرایط و موقعیت فاقد ارزش‌اند و عمومیت افرادی و اطلاق زمانی ندارد؛ برای مثال در مورد حجاب، زمانی که فرد میان محارم خودش است، متفاوت از زمانی است که در میان افراد نامحرم است؛

ج) ارزش‌های متغیر: این نوع ارزش‌ها در بستر زمان دگرگون می‌شوند و بنابراین اعتبارشان تاریخی است؛ مثل آداب مطلوب زمانه (باقری، ۱۳۸۰).

### تأثیر ثبات و تغییر ارزش‌ها بر اخلاق جنسی

الف) ساختارمند شدن اخلاق جنسی: فهم ارزش‌های ثابت (عدالت، عفاف)، ارزش‌های مشروط (حجاب، ازدواج) و ارزش‌های متغیر (آداب خواستگاری، میزان مهریه) در اخلاق جنسی، ذهن انسان را در این حیطه ساختارمند و فهم اخلاق جنسی را برای ما آسان می‌کند و همچنین، مقوله‌ای که افراد توانایی خلق ارزش‌های نوین را دارند؛ یعنی ارزش‌های متغیر را درک می‌کنند؛

ب) فهم نسبتاً آسان سایر سیستم‌های اخلاق جنسی: وقتی ذهنیت‌های ما در حیطه اخلاق جنسی ذهنیتی ساختارمند باشد، فهم سایر مکاتب اخلاق جنسی برای ما آسان و شباهت‌ها و اختلاف‌ها به آسانی درک می‌شود؛ به‌عنوان مثال در سیستم اخلاق جنسی نوین، عدالت یکی از ارزش‌های ثابت و تغییرناپذیر است. این ارزش ثابت اخلاقی نوعی هم‌سنخی و اشتراک را در دو سیستم اخلاق جنسی اسلامی و غربی برای ما ایجاد می‌کند؛ اما با ورود مفروضات زیربنایی‌تر انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی و به‌تبع آن ارائه تعریف از عدالت متناسب با آن، باعث ایجاد تفاوت‌هایی در دو سیستم اخلاق جنسی می‌شود. پس با لحاظ کردن یک مفهوم ارزشی ثابت در اخلاق جنسی و حرکت از این مفهوم به مبانی زیربنایی‌تر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی و در پی اینها ارائه یک تعریف از این مفهوم ارزشی ثابت فهم اخلاق جنسی برای ما امکان‌پذیر می‌شود.

۵. عدالت: کلمه فراگیر و گسترده است و شئون مختلف آدمی را در بعد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی، خانوادگی، الهی، اخلاقی و... دربرمی‌گیرد. همه انسان‌ها در طول اعصار و ادوار تاریخی به دنبال عدالت بوده‌اند. در مکتب اسلام نیز عدالت به‌عنوان یک خواست بشری و اساس و پایه هستی مورد توجه بوده است. در نگاه قرآن عدالت «ارزش ذاتی و

نفس‌الامری داشته و امنیت همه امور بدان وابسته است؛ یعنی عدالت صرف یک مفهوم انتزاعی نیست؛ بلکه مفهومی عقلی و نفس‌الامری است که ریشه در هستی و فطرت انسانی دارد و همه ابعاد وجودی عالم را دربرمی‌گیرد» (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳). از این رو، در کلام الهی به صورت مداوم مورد تأکید قرار گرفته است؛ خداوند در این رابطه در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید»؛ اما عدالت به عنوان یک آرمان بشری به چه معناست؟ مطهری در تشریح معنای عدالت به سه معنا از عدالت اشاره می‌کند:

**الف) موزون بودن:** عدالت در این معنا بیشتر به هستی و پدیده‌های موجود در جهان اشاره دارد؛ بدین معنا که در کل نظام هستی یک نوع تناسب و هماهنگی وجود دارد و عالم براساس نظام احسن برپا شده است و در آن طور و ناهماهنگی نیست و همه اجزای نظام هستی برای هدف خاصی که برای آنها لحاظ شده، هماهنگ با یکدیگر در جریان‌اند. همچنین، در جهان هستی، همه چیز متعادل و موزون در کنار هم قرار گرفته است و با نظم معین و مشخص، به سوی هدف خود حرکت می‌کند. در این باره، خداوند در آیه ۷ سوره الرحمن می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»؛ خداوند آسمان را برافراشت و همه چیز را از روی حساب وضع نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در این باره می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات والارض» (مطهری، ۱۳۵۲، ص ۸۰-۸۱)، آسمان و زمین به موجب عدل برپاست. براساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت عدالت در اسلام دارای ارزش و اهمیتی ویژه است و اصل و مبدأ هستی بوده و خلقت بر پایه عدالت صورت گرفته است؛ یعنی هستی براساس آن به وجود آمده است که این ناشی از شأن حکیم و علیم بودن خداوند است. مطهری درباره عدل به این معنا می‌نویسد: «بحث عدل به معنی تناسب در مقابل بی‌تناسبی از نظر کل و مجموع نظام عالم است ولی بحث عدل در مقابل ظلم از نظر هر فرد و هر جزء از اجزاء دیگر است. در عدل به مفهوم اول مصلحت کل مطرح است و در عدل به مفهوم دوم مسئله حق فرد مطرح است» (همان، ص ۶۰-۶۱)؛

**ب) تساوی:** در این معنا عدل به دو وجه می‌تواند مطرح شود: ۱. عدل به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌ها، استحقاق‌ها، لیاقت‌ها و شایستگی‌ها و به عبارت دیگر نفی هرگونه تبعیض بین افراد که این خود عین ظلم است؛ زیرا افراد به دلیل برخورداری از بعضی از اولویت‌ها نسبت به دیگران در استفاده از بعضی حقوق، مقدم بر دیگران‌اند؛ مثل کودکی که نسبت به شیر مادر خودش مقدم بر سایر کودکان است؛ ۲. عدل به معنای رعایت تساوی در استحقاق‌های مساوی؛ یعنی مواردی که افراد از استحقاق‌های مساوی برخوردارند عدالت حکم می‌کند که بین آنها به تساوی رفتار کرد؛

ج) احقاق حقوق: عدالت در این معنا به معنای رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذی‌حقی حق او را است؛ در اینجا تأکید بیشتر بر روی استحقاق‌ها، رعایت حقوق و اولویت‌ها فردی و اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر است و اگر عملی غیر از این صورت گیرد، به معنای ظلم است؛ یعنی پامال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. این معنا از عدالت بر عدالت اجتماعی تأکید دارد و اگر افراد جامعه برای رسیدن به سعادت، حقوق و اولویت‌ها را رعایت کنند، عدالت اجتماعی را پیاده کرده‌اند.

### تأثیر عدالت بر اخلاق جنسی

عدالت پیامدهای زیر را در اخلاق جنسی خواهد داشت:

الف) رعایت اعتدال: عدالت در اینجا نوعی مدیریت جنسی است که فرد در اعمال‌گریزه جنسی و نوع نگرش به آن دارد؛ در این معنا عدالت ناظر به تناسب و هماهنگی از یک‌سو و از سوی دیگر ناظر به اعتدال است. بنابراین، نگرش فرد نسبت به‌گریزه جنسی باید به‌گونه‌ای باشد که بین استعدادها و گرایش‌های مختلف وجودی انسان تناسب و هماهنگی ایجاد شود؛ یعنی اعمال مدیریت جنسی به‌نحوی که استعدادها و توانایی‌های انسان زایل نشود و به یک جنبه از وجود انسان بیش از دیگر جوانب توجه نشود. همچنین، فرد به‌نحوی لجام‌گسیخته به ارضای‌گریزه جنسی نپردازد و از سوی دیگر در رهبانیت، تحقیر و طرد‌گریزه جنسی و مبارزه با آن نیفتد و به‌طورکلی در دام افراط و تفریط گرفتار نشود؛

ب) تناسب و هماهنگی بین زوجین: از سوی دیگر، اگر عدالت را به معنای تناسب و هماهنگی در نظر بگیریم که مبتنی بر حفظ کل است و از این جهت به اخلاق جنسی نگاه کنیم، در این حالت زوجین برای حفظ زندگی به نوعی باید تناسب و هماهنگی و تشابه در اموری داشته باشند که برای آنها مهم است. اهمیت این تناسب و هماهنگی به صورتی است که خداوند در آیه ۲۶ سوره نور می‌فرماید: «زنان ناپاک از آن مردان ناپاک‌اند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک‌اند»؛ و در آیه ۳ سوره نور می‌فرماید: «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند؛ و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است!»؛ نکته‌ای که می‌توان از این آیات برداشت کرد این است که زوجین باید به نوعی در اخلاق جنسی خود به‌ویژه در هسته‌های محوری اخلاق جنسی همچون عفت، حجب و حیاء و غیرت و همچنین ویژگی‌های شخصیتی نکات مشترک و مشابهی داشته باشند تا کانون خانواده به‌عنوان یک کل بتواند قوام و دوام پیدا کند؛ البته

دامنه این هماهنگی و تناسب در زندگی مشترک که حکم سرمایه‌های وجودی یک زندگی است می‌تواند به سایر مواردی کشیده شود که برحسب فردیت افراد ممکن است متفاوت باشد؛ اگرچه همواره درجه‌ای از عدم اشتراک و تفاوت در زندگی مشترک طبیعی است؛ ولی مهم این است که اشتراکات ما بیش از تفاوت‌های ما باشد و درعین حال این تفاوت‌ها نیز توسط طرفین به رسمیت شناخته شوند؛

**ج) عدالت عاطفی در تعدد زوجات:** این نوع عدالت که در حیطه ارتباط با جنس مخالف مطرح است که در قالب تشکیل خانواده متجلی می‌شود، ناظر بر عدالت رفتاری و عاطفی است که در خانواده بین زوجین و به‌ویژه از سوی مردان باید رعایت شود. خداوند در آیات مختلفی به آن اشاره کرده است: «اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی استفاده کنید که مالک آنها نیستید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند» (نساء، ۳)؛ و «شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هرچند کوشش نمایید؛ ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داده درآوردید و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش بگیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است» (نساء، ۱۲۹)؛

**د) عدالت اجتماعی:** در کلام الهی بر عدالت بین دو جنس به معنای احقاق حقوق هر ذی‌حقی تأکید و از ظلم و ستم جنسی نهی شده است؛ اما برای ایجاد عدالت بین دو جنس حقوق کاملاً متشابه و یکسان وضع نشده است؛ به‌دیگرسخن، ما در حیطه جنسی در اسلام با یک اخلاق جنسی دوگانه روبه‌رو هستیم و نه یک اخلاق جنسی کاملاً یکسان و یکدست؛ همچنان‌که در آیه ۳۲ و ۳۴ سوره نساء آمده است: «برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما و بر طبق عدالت است؛ ولی با این حال) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال شود) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند». این آیات

زنان را از اینکه تلاش کنند تفاوت‌های حقوقی را نادیده بگیرند که خداوند براساس خلقت و طبیعت خاص هر یک از آنها وضع کرده است؛ و همچنین تلاش آنها برای دستیابی به حقوقی متشابه و یکسان با مردان در حیطه اخلاق جنسی را منع کرده است؛ البته زنان و مردان در زمینه‌هایی که مربوط به انسانیت آنان است و نه جنسیت آنان، از حقوق یکسان برخوردارند. بنابراین، این آیات تلاش زنان را برای از بین بردن نابرابری‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جنسی نمی‌کند که ریشه در خلقت و تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس ندارد و حاصل نظام مردسالارانه و فرهنگ یک جامعه است و از این طریق بر دین نیز عارض شده و رنگ و بوی دینی به خود گرفته و در قالب هویت جنسی متجلی شده و بر زنان نیز عارض شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

جوامع امروزی در ارتباط با غریزه جنسی دچار پیچیدگی‌های روزافزونی همچون تأخیر در ازدواج، توقعات والدین، پیچیدگی‌های زندگی مشترک، فزونی طلاق، سستی ازدواج بزرگسالان، اصالت فرد در اخلاق، سودپرستی، تجاری شدن لذت جنسی، قرار گرفتن در معرض میلیون‌ها محرک عشقی و جنسی در عرصه زندگی و هنر، لجام‌گسیختگی اخلاقی به‌جای پرهیزکاری، افزایش فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و... هستند (ریضوی، ۱۹۹۴).

در چنین شرایطی، مبانی ارزش‌شناسی اخلاق جنسی مطرح و بر فطری بودن ارزش‌های اخلاقی تأکید شد که براساس آن یکی از اصول مهم اخلاق جنسی، ازدواج به‌موقع، مناسب و درست است؛ زیرا «هسته و مغز مسائل اخلاقی در همین جاست؛ اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال‌های طبیعی انجام گیرد، فحشا و امراض زهروی و تنهایی بی‌ثمر و عزلت ناپسندیده و انحرافات آزمایشی که زندگی معاصر را لکه‌دار کرده است تا نصف تقلیل خواهد یافت» (ویل دورانت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴). افزون‌براین، همراه شدن ازدواج با عفت، غیرت‌ورزی، تقوای جنسی و تقوای حضور می‌تواند تأثیر بیشتری در کاهش مسائل و مشکلات جنسی دوران معاصر داشته باشد؛ اگرچه ازدواج به‌موقع و مناسب مستلزم تدوین سیاست‌های فرهنگی، کمک مالی مؤسسه‌های مختلف، بهبود وضعیت اشتغال، مساعدت و همکاری خانواده‌ها، مشاوره‌های روان‌شناسی پیش از ازدواج، آموزش توانایی حل مسائل و مشکلات زندگی مشترک در روابط بین فردی و روابط خانوادگی، صرف وقت برای تأمین نیازهای مختلف روحی و روانی، احترام به احساسات یکدیگر و ایجاد تعادل بین کار و خانواده می‌باشد.

از جمله مبانی دیگر، خیر علی‌الاطلاق بودن خداوند و به تبع آن تبدیل شدن خواست و اراده خداوند به عنوان معیار ارزش‌های اخلاق جنسی است؛ زیرا به تعبیر داستایوسکی<sup>۱</sup> «اگر خدایی نباشد، همه چیز مجاز است» (همان، ص ۱۰۳). اهمیت این جمله، در این موضوع ریشه دارد که توحید مبنایی است که «سایر عقاید حق براساس آن و روی آن تهنه بنا می‌شوند و فضایل اخلاقی هم، از آن جوانه‌ها منشعب می‌شوند و همچنین اعمال صالح به صورت میوه از آنها سر می‌زند. همچنین، برای رسیدن و یا بیشتر رسیدن به سعادت هیچ راهی جز کلمه توحید و استقامت بر آن نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۷۴). همچنان‌که خداوند متعال در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره ابراهیم می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»: مگر ندیدی خدا چگونه مثالی زد و سخن نیک (توحید) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرد که ریشه‌اش (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است؟! همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می‌دهد، خدا این مثل‌ها را برای مردم می‌زند، شاید متذکر شوند.

اعتباری بودن ارزش‌ها، به عنوان مبانی دیگر، در ساحت اخلاق جنسی باعث اعتبارسازی، مطرح شدن ارزش‌ها و هنجارهای جدید، برای حل مسائل و مشکلات جدید است. افزون‌براین، اعتباری بودن ارزش‌ها باعث مطرح شدن اعتباریابی این هنجارهای جدید است. براساس اعتباریابی، هنجارهای جدید، در صورتی که با موازین دینی ناسازگار نباشند، می‌توان آنها را پذیرفت. ثبات و تغییر در ارزش‌ها، به ساختارمند شدن اخلاق جنسی، فهم به نسبت آسان دیگر سیستم‌های اخلاق جنسی منجر می‌شود. سرانجام، عدالت در ساحت اخلاق جنسی به رعایت اعتدال، تناسب و هماهنگی بین زوجین، رعایت عدالت عاطفی در تعدد زوجات و رعایت عدالت اجتماعی بین زن و مرد منجر می‌شود.

افزون‌بر آنچه بیان شد، در ارتباط با بازسازی شخصیت اخلاقی مسلمانان، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

**الف) راهکارهای کوتاه‌مدت:** حمایت از ابزارهای قانونی قوی برای ممنوع کردن عناصر منفی که باعث گسترش انحطاط اخلاقی، فرهنگی و معنوی می‌شود (رسانه‌ها، فیلم، نمایشنامه‌ها، تبلیغات، ادبیات)؛ سازمان‌دهی جوامع محلی برای مبارزه با بیماری‌های اجتماعی؛ سازمان‌دهی جوامع مدنی مسلمان برای به عهده گرفتن مسئولیت ایجاد مسلمانانی درستکار؛ استفاده کردن از

1. Dostoevski

انجمن‌های مسلمانان و هر جشن اسلامی برای افزایش هشیاری راجع به توسعه اخلاقی؛ برنامه‌های توان‌بخشی مسلمانانی که از اسلام منحرف شده‌اند؛

ب) راهکارهای بلندمدت: اصلاح تعلیم و تربیت اسلامی؛ آموزش جامع اخلاق اسلامی در میان تمام سطوح جوامع؛ ادامه همکاری با رهبران و مقامات دولتی برای تمرکز بر مسائل اخلاقی امت؛ تلاش برای تحقق اهداف دینی، گسترش و مطالعه ادبیات قدرتمند اسلامی (عمل به دستورات قرآن در زندگی روزمره)؛ پروژه "بازگشت به قرآن"؛ پروژه احیای کارکرد مساجد به‌عنوان یک نهاد مؤثر برای تقویت شخصیت مسلمانان؛ تعهد همه واعظان مسلمان نسبت به اینکه مسائل انحطاط اخلاقی در میان مسلمانان را به‌طور مؤثر از بین ببرند (عبدالحمید، ۲۰۱۷).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

## \* قرآن کریم

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۲. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۳. بهشتی، سعید (۱۳۸۹)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. بهشتی، محمد (۱۳۸۵)، «تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی»، حوزه و دانشگاه، س ۲، ص ۸۹-۱۱۳.
۵. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، شهید صدر و امام خمینی علیه السلام، تهران: پژوهشکده امام خمینی علیه السلام.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ج ۹، تهران: سمت.
۷. حسنی، محمد (۱۳۸۳)، «بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳۴، ش ۲، ص ۱۹۹-۲۲۴.
۸. راسل، برتراند (۱۳۵۲)، زناشویی و اخلاق، ترجمه مهدی افشار، تهران: کاویان.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی.
۱۰. رولین، برنارد (۱۳۹۴)، علم و اخلاق، ترجمه سعید عدالت‌جو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. طاهرپور، محمدشریف؛ محمدرضا شرفی و خسرو باقری و جهانگیر مسعودی (۱۳۹۲)، «تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، تربیت اسلامی، س ۸، ش ۱۷، ص ۵۱-۷۳.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۹)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقاله ششم، قم: اسلامی.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ج ۲ و ۳، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: امیرکبیر.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۵، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: امیرکبیر.
۱۵. غفوری نژاد، محمد، (۱۳۹۴)، «نظریه فطرت و آرای جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبایی»، انسان‌پژوهی دینی، س ۱۲، ش ۳۳، ص ۵۱-۷۶.
۱۶. فرمی‌هنی فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش.
۱۷. فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۷۷)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: فقیه.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)، عدل الهی، قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، فلسفه حجاب، قم: صدرا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. ویل دورانت (۱۳۸۵)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۲)، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.

#### منابع عربی

۲۴. ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، الجزء التاسع عشر، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا.
۲۵. النوری الطبرسی، الحاج میرزا حسین (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الجزء رابع عشر، قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل‌ال‌بیت.

26. Abdul Hamid, M. A., (2017), *Moral decay and Hollywoodization in the Muslim World*, <http://www.ihrc.org.uk/publications/briefings/11883-moral-decay>.
27. Ausaf, A., (2001), *Islam rethought: gender, sexuality, and marriage in Islam.*, Without place and Publisher.
28. Eniola, S. G., (2013), "An Islamic perspective of sex and sexuality: A lesson for contemporary Muslim", *Journal of Humanities And Social Science*. Vol. 12, Issue 2, PP.20-28.
29. Galeniece, A., (2004), "A concept of sexual immorality and its consequences in the Bible", *Journal of the Adventist Theological Society*, 15/2 .pp.128-141.
30. Greenwood, J., Guner, N., (2010), "Social change: The sexual revolution", *International Economic Review*, Vol. 51, No 4, PP. 893-923.

31. Morris, J., (2016), *Christian Sexual Ethics in an Age of Individualism*,. The institute for faith and learning at Baylor University.
32. Munfarida, E., Soeratno, S. Ch. Syamsiatun, S.,(2017), "Truth and love in sexual ethic of Islam", *Kalam*, Vol. 11, No. 1. PP. 1-28.
33. Rizvi, S. M., (1994), *Marriage and morals in Islam*, Published by the Islamic Education & Information publication Centre Toronto, Canada.
34. Sharafi, M. R, taheerpour, M .Sh., (2013), "The ontological foundations of sexual ethics", *Hekmat Quarterly Journal, an international journal of academic research*, seventh issue, PP 11-32.
35. Tukker, M., (2013), "Where sexuality and spirituality meet: An assessment of Christian teaching on sexuality and marriage in relation to the reality of 21st century moral norms", *Original Research*, PP.1-8.

